تاسیس پایگاه کتاب‌های بین‌المللی نویسندگان ایرانی

پایگاه کتاب‌های بین‌المللی نویسندگان ایرانی از سوی موسسه استنادی علوم جهان اسلام راه‌اندازی شد. رئیس موسسه استنادی علوم جهان اسلام از آغاز به کار پایگاه کتاب‌های بین‌المللی نویسندگان ایرانی همزمان با ولادت امام رضا (ع) خبرداد و گفت: این پایگاه استنادی در راستای تقویت دیپلماسی فرهنگی و تعاملات علم و فناوری کشور راه‌اندازی شده است. سیداحمد فاضل‌زاده افزود: ظرفیت پایگاه کتاب‌های بین‌المللی نویسندگان ایرانی گامی مهم برای تقویت مرجعیت علمی و فناوری جمهوری اسلامی ایران در سطح بین‌المللی است. وی از دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی و فناوری کشور دعوت کرد تا اطلاعات کتاب‌های بین‌المللی منتشرشده خود را برای بررسی و ثبت در این پایگاه به مؤسسه استنادی علوم جهان اسلامی ارسال کنند. رئیس موسسه استنادی علوم جهان اسلام اعلام کرد: پایگاه کتاب‌های بین‌المللی نویسندگان ایرانی هم‌اکنون اطلاعات کتاب‌شناختی بیش از ۱۲۰۰ عنوان کتاب را پوشش داده و فرآیند تکمیل و توسعه آن ادامه دارد. فاضل‌زاده یادآور شد: بخشی از تلاش‌های اساتید و پژوهشگران کشور در تألیف و نشر کتاب، از سوی ناشران معتبر ملی و بین‌المللی منتشر می‌شود، مؤسسه ISC اقدام به راه‌اندازی نخستین پایگاه اطلاعاتی کتاب‌های بین‌المللی نویسندگان ایرانی کرده است. وی اضافه کرد: کاربران و پژوهشگران می‌توانند با مراجعه به لینک https://search.isc.ac/dl/search/ ، به اطلاعات کتاب‌های بین‌المللی نویسندگان ایرانی دسترسی پیدا کنند.

جام جم
ادبیات ۱۱
LITERATURE
پنجشنبه ۱۱ خرداد ۱۴۰۲ شماره ۶۵۰۲

چند اثر خوب درباره امام هشتم را به دوستداران ادبیات پیشنهاد می‌کنیم

کتاب‌های آئینی که کلیشه‌ها را شکستند

انسیه موسویان
شاعر و نویسنده

در سالروز تولد پربرکت امام هشتم(ع) بد ندیدیم، مروری کنیم بر آنچه در سفره ادبیات امروز برای دوستداران امام مهربانی آماده شده‌است. البته که سخن گفتن و نوشتن برای امامی‌که همه برکت زندگی ما ایرانیان به واسطه فیض وجود اوست، همت بیشتری می‌طلبد و هرقدر نویسندگان و گویندگان در این زمینه کار کنند، بازهم کم است اما باید به این نکته اعتراف کنیم که تا چند سال قبل آثار قابل توجه و پرفروشی که بتواند نسل امروز را برای خواندن درباره زندگی ائمه(ع) به ویژه امام رضا(ع) قانع کند، خیلی کم داشتیم اما امروز خوشبختانه در حوزه‌های مختلف ادبیات، در شعر، در داستان‌نویسی و رمان و نیز در تاریخ شفاهی آثاری قابل توجه داریم که می‌توانند در صورت معرفی شدن درست و رسیدن به دست مخاطبان از طریق شبکه توزیع سالم محصولات فرهنگی، در علاقه‌مند شدن مخاطبان به ادبیات مذهبی و بهره‌مندی آنها از زندگی امامان معصوم به ویژه حضرت علی‌بن موسی الرضا(ع) بسیار مؤثر باشد. با این مقدمه، چند کتاب خوب و خواندنی در این حوزه را به شما معرفی می‌کنیم.

عاشقانه‌ای از دل تاریخ

مظفر سالاری یا بهتر بگوییم حجت‌الاسلام سالاری، نویسنده خیلی خاصی است. او بدون سر و صدا و تبلیغات عجیب و غریب برای خودش، در یک گوشه خلوت نشسته و در شهرخودش یزد، کتاب می‌نویسد اما در عین حال او توانسته‌است، همزمان سه کلیشه رایج در ادبیات داستانی ما را بی‌اعتبار کند. نخستین کلیشه این بود که نمی‌توان درباره تاریخ اسلام و دوران ائمه، رمان نوشت؛ دومین کلیشه این بود که کتابی با درون‌مایه مذهبی در بازار کتاب ایران، فروش چندانی ندارد و سومین کلیشه هم این‌که فقط نویسندگان ساکن پایتخت به واسطه آشنایی و ارتباطات خود می‌توانند در بازار نشر مطرح شوند و کتاب‌هایشان به چاپ چندم برسد.

مظفر سالاری تا به حال هر کتابی نوشته، مرزهای فروش را جابه‌جا کرده‌است و همه کتاب‌هایش هم درون‌مایه مذهبی دارد، از جمله «دعبل و زلفا» منتشر شده در به‌نشر که می‌خواهیم درباره این کتاب کمی حرف بزنیم. یکی از دلایل این‌که خیلی‌ها معتقد بودند نمی‌شود درباره صدر اسلام رمان نوشت، محدودیت در تخیل‌ورزی نسبت به ائمه و معصومان بوده‌است. یعنی این‌که می‌توانیم به دلایل اعتقادی، نسبتی درباره کردار، گفتار یا پندار به ائمه(ع) نسبت دهیم که با اسناد متقن قابل اثبات نباشد. این دلیل درستی است اما نویسندگان سعی کرده‌اند با قرار دادن چهره‌هایی که عصمت ندارند، به عنوان قهرمان اصلی داستان‌شان، هم درباره آن دوران داستان بنویسند و هم دچار مشکل یا خدای نکرده انحرافی نشوند. وی برای این کار، یکی از اصحاب بسیار معتقد ائمه را انتخاب کرده‌است و کوشیده با بیان ماجراهای زندگی شخصی او، در حقیقت درباره آن دوران و امامت دو امام معصوم(ع) مخاطبان خود را آگاه کند. او برای این کار، یک شخصیت آشنای تاریخی یعنی دعبل خزاعی از مشهورترین شاعران و مدیحه‌سرایان اهل‌بیت(ع) را که خود شیعه سرسختی بوده و خلفای عباسی از دست زبان حقگویش بسیار آشفته و عصبانی بوده‌اند، انتخاب کرده‌است و با روایت داستانی عاشقانه میان شاعر و همسرش زلفا، سعی دارد وضعیت دشوار و ویژه اجتماعی و سیاسی دوران امامت امام موسی کاظم(ع) و امام رضا(ع) را برای مخاطبانش بازسازی کند. به همین دلیل وقتی این کتاب را می‌خوانید، هم از طعم یک داستان لطیف عاشقانه سرشار می‌شوید و هم در کلاس درس تاریخ اسلام نشسته‌اید و لحظات سخت و دشواری را در دهلیزهای تاریخ تجربه می‌کنید. البته نویسنده به صورتی که مخاطب از حضور او در داستان دلزده نشود، گاه و بیگاه در حین روایت سر و کله‌اش پیدا می‌شود و به صورتی نه چندان محسوس و ملموس، خط مورد نظر خود و تحلیلش را هم به مخاطب ارائه می‌دهد. راستش را بخواهید، سالاری خوب بلد است مخاطب را با قلمش سرگرم کند و این راز اصلی پرفروش شدن آثار اوست. یعنی این‌که او اگر نویسنده مذهبی هم نبود و براساس اعتقاد و علاقه‌اش، دست به قلم نمی‌برد تا برای ائمه بنویسد و مثلا یک جنایی‌نویس هم می‌شد، بازهم بلد بود چگونه مخاطبان را به سمت کتاب‌هایش جلب و جذب کند.

اما او تصمیم گرفته‌است در این حوزه بنویسد و چون نویسنده صبوری هم هست، برای پژوهش درباره کتاب‌هایش وقت زیادی می‌گذارد و مانند نویسندگان پرفروش سری‌نویس، به دنبال چاپ پی در پی کتاب و کسب درآمد از این راه نیست.

او نویسنده‌ای است که مخاطبان خود را پیدا کرده. به همین دلیل است که کتاب‌هایش هروقت وارد بازار می‌شود، از قبل گروه زیادی از دوستداران قلم نویسنده برای خواندنش صف کشیده‌اند و دیگر کسی به کلیشه‌هایی مانند داستان مذهبی و نویسنده شهرستانی توجهی نمی‌کند. هر ناشری اکنون آماده است کتاب تازه‌ای از این نویسنده پرفروش و خوش‌قلم منتشر کند. بد نیست بدانید این کتاب چاپ چهل‌وسوم و با شمارگان ۳۰۰۰ نسخه‌است.

برای آشنا شدن با این کتاب، بد نیست بخشی از «دعبل و زلفا» را مرور کنیم: بیرون از دروازه و حصار شهر، تا چشم کار می‌کرد در دو طرف، دکان بود و کاروانسرا. دستفروش‌ها چند متر آن طرف‌تر، به موازات ردیف دکان‌ها، زیر سایه چادرهایی رنگارنگ و پروصله، بساط کرده بودند. تنوع کالاهای ریز و درشت چنان بود که اگر کسی ساعتی می‌چرخید و پرسه می‌زد، بازهم انگار چیزی ندیده بود. دعبل به هیاهوی آن شلوغ‌بازار و به سکوبی که روی آن، چند غلام و کنیز نیمه‌برهنه را به نمایش گذاشته بودند، توجهی نشان نداد.

صدها شتر کاروان باده‌ها اسب و نگهبان مسلح و غلامان پیاده و چندتایی قاطر و سگ همراهش به کاروانسرایی بزرگ خزیدند که پر از بار و شتر و گاری و حمال و انبار و اتاقک‌هایی در اطراف بود. بارها را که پایین می‌آوردند، ده‌ها کودک گدا و پابرهنه و دخترکان ولگرد و بی‌سرپرست، دوره‌شان کردند. در گوشه‌ای خربزه‌هایی بزرگ را تلنبار کرده بودند. دعبل بزرگ‌ترین خربزه را خرید. تا دو حمال، بار شتر را بر پشت اسبش بگذارند و ببندند، خربزه را به ده‌ها باریکه برید و بین بچه‌ها و دخترکان تقسیم کرد. دست در کاسه کرد و تخمه‌های خربزه را به اسبش خوراند. به خودش چیزی نرسید.

سکه‌ای به حمال‌ها و چند سکه به کاروان‌سالار داد و از ابن‌سیار و دو سه همسفر دیگر خداحافظی کرد. ابن‌سیار گفت: امیدوارم تو به‌زودی ندیم هارون شوی و من، طبیب مخصوص او.

نگهبان‌ها دختران و زنان اسیر را کنار صدها طاقه پارچه و خمره‌های گلین جمع کرده بودند. باتکان دادن تازیانه‌های حلقه‌شده، مجبورشان می‌کردند که فشرده‌تر بنشینند و از جلوی چشم دور نشوند. دلش می‌خواست برود و خبری از او بگیرد. باز پا روی خواهش دل گذاشت و به‌سوی خروجی کاروانسرا به‌راه افتاد.

- گیرم که بخواهند او را چون کنیزی بفروشند، تو پولت کجا بود که بتوانی چنین ماه‌رویی را بخری؟ اگر ۱۰ کیسه دینار هم داشتی، از پس خریداران ثروتمندی برنمی‌آمدی که برای این‌گونه دختران ماه‌رو، دندان تیز کرده‌اند و دست‌وپا می‌شکنند.

مظفر سالاری همزمان دو کلیشه رایج در ادبیات داستانی ما را بی‌اعتبار کرد. نخست کلیشه که نمی‌توان درباره تاریخ اسلام، رمان نوشت و دوم کلیشه، کتابی با درون‌مایه مذهبی در بازار کتاب ایران، فروش چندانی ندارد

تشنه‌تر از همه منم!

مجید پورولی کلشتری، داستان‌نویس دارای کارنامه حرفه‌ای است. او را با کتاب جذابی مانند رمان «پسران دوزخ، فرزندان قابیل» با موضوع گروه تروریستی داعش می‌شناسیم و می‌دانیم او هم نویسنده‌ای است که طیف مخاطبان خاص خود را دارد. این نویسنده در میان آثارش، توجه ویژه‌ای به داستان‌هایی با درونمایه دینی دارد و یکی از این کتاب‌ها، «اقیانوس مشرق» است که انتشارات احیا آن را به چاپ رسانده‌است.

نویسنده در این کتاب خواسته است مخاطبانش را با امام‌علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) بیشتر آشنا کند ولی به‌جای این‌که کتابی درباره فضایل ایشان بنویسد، تصمیم گرفته است از طریق بازگوکردن داستان زندگی یک شخصیت شیفته امام، بزرگی خود امام را به تصویر بکشد. این شخصیت عمران پسر داوود نام دارد که بدجور دچار آشفتگی و سرگشتگی است و چاره دردهایش در دست امام مهربانی‌هاست. او که مسافر یک راه طولانی است، در خراسان گم می‌شود و در حال مبارزه برای مرگ و زندگی است که بالاخره داستان او را به جایی که باید ببرد می‌برد. این کتاب که برنده کتاب سال رضوی در بخش رمان و کتاب سال پژوهش‌های دینی شده‌است، ازجمله آثار معدودی است که می‌تواند برای دوستداران داستان رضوی، پیشنهاد مناسبی باشد. ابتدای داستان اقیانوس مشرق با شرح وضعیت عمران که از تشنگی و خستگی در حالتی بی‌رمق و وهم‌آلود در بیابان افتاده آغاز می‌شود. بخش‌هایی از این داستان را با هم مرور کنیم: مشتش را از خاک پر می‌کند و بر پاپوش‌ها می‌ریزد. سعی می‌کند با بی‌جانی دست‌هایش سراب را پس بزند و راه بگشاید اما انگار سراب، سخت و محکم برابرش ایستاده است و خیال کنار رفتن ندارد. گویا آدمی است که برابرش قرار گرفته و نگاهش می‌کند.

عِمران دوباره، ناباورتر از پیش، سر بلند می‌کند و با چشم‌های خاک‌گرفته‌اش به پاهایی خیره می‌شود که برابرش ایستاده‌اند.

- بگو که دروغ و خیالی بیش نیستی!

پاسخی نمی‌شنود.

* تو نیز همانند همه آن آدم‌های مَشک‌به‌دوش که این‌روزها هزار بار دیده‌ام، فریب چشم‌های منی. همه‌تان برای مرگ من آمده‌اید.

مرد زانو می‌زند بالای سرش. دستش را آهسته زیر چانه عمران می‌گیرد و صورت عمران را بالا می‌آورد. عمران در بهت نگاهش می‌کند. مرد می‌گوید: «آیا تو عِمران، پسر داوودی؟»

عمران در اوج درد، می‌خندد:

* من تشنه‌ام. تشنه، پسر، تشنه. در تمام سرزمین ایران‌زمین آن‌که تشنه‌تر از همه است، منم!

دست رنجور و زخم‌خورده‌اش بر ردای مرد، چنگی بی‌رمق می‌زند و با التماس می‌گوید: «به من بگو که سرابی، بگو که تو نیز وَهمِ گرمازده‌ای بیش نیستی که در قالب مردی خودت را به من نشان می‌دهی. در این برهوتِ بی‌سرانجام که نه پس پیداست و نه پیش، من از امیدِ بیهوده، بیش از تشنگی و گرسنگی می‌ترسم!»

نکته

سریع، مستقیم و شیوا

«یک قمقمه دریا» کتاب بعدی است که آن را به شما پیشنهاد می‌کنیم، کتابی که تاکنون یکی از پرفروش‌ترین کتاب‌ها درباره امام رضا بوده است و بیش از ۵۰۰ هزار نسخه (بله درست خواندید دقیق‌ترش را بگوییم ۵۰۱ هزار و ۵۰۰ نسخه تا پیش از چاپ جدید) آن به فروش رفته است. نویسنده کتاب محمدهادی زاهدی است. او که سال‌ها به عنوان روزنامه‌نگار فعالیت کرده و چندین سال سردبیر روزنامه‌های خراسان و قدس بوده است، با توجه به تحصیلات و ذوق ادبی‌اش چندسالی است وارد حوزه نگارش ادبیات دینی شده است و چون هم نویسنده‌ای خوش‌قلم است و هم نیاز نسل امروز را به خوبی می‌شناسد، هرچه نوشته مورد استقبال مخاطبان قرار گرفته است. نوشته‌های زاهدی مصداق عینی سهل و ممتنع است. شاید خیلی‌ها وقتی کتاب را بخوانند، با خود بگویند که نویسنده کار خاصی نکرده است و فقط صد قصه و نکته از زندگی امام رضا(ع) را از روی کتاب‌های معتبر تاریخی انتخاب و بازنویسی کرده‌است.

اما واقعیت درباره «یک قمقمه دریا» این است که در این کتاب با دو پدیده همزمان روبه‌رو هستیم. اولین ویژگی خاص این کتاب این است که نویسنده آن اطلاعات و دانش قابل اتکایی درباره منابع حدیثی دست اول و مستند دارد. به همین دلیل او برای تهیه مواد خام کتابش یعنی احادیث و روایت‌هایی که منبع کتاب بوده، دقت بسیاری به کار برده است. متأسفانه برخی روایت‌های ضعیف تاریخی درباره زندگی ائمه از جمله امام رضا(ع) وارد ادبیات دینی ما شده است که به نظر می‌رسد نمی‌توان به سادگی آنها را حذف یا اصلاح کرد. حسن کتاب «یک قمقمه دریا» این است که از این منظر خیال خوانندگان و حتی کسانی که می‌خواهند براساس روایت‌های کتاب، بعدها کتاب یا داستانی بنویسند راحت است که به یک سرچشمه خوب از روایت‌های امام رضایی وصل شده‌اند. نکته دیگری که باید درباره این کتاب گفت این که قلم نویسنده بسیار روان و کتاب خوش‌خوانی است. به‌خصوص این‌که محمدهادی زاهدی توانایی بسیار خوبی در خلاصه‌نویسی و در عین حال زیبانویسی دارد. کتاب‌های دینی معمولا از مشکل زیاده‌گویی و زیاده‌نویسی رنج می‌برند اما در این کتاب شاهدیم که نویسنده با چه مهارتی بدون این‌که حوصله خواننده را سر ببرد، سریع و مستقیم اما زیبا و شیوا حرفش را با مخاطب می‌زند.

بخش‌هایی از این کتاب را باهم مرور کنیم: می‌گویند: «مأمون به پدر شما لقب رضا داده است!»

امام جواد(ع) فرمودند: «نه! خدا این لقب را به او داد چون او در آسمان رضای خدا بود و در زمین رضای رسول خدا(ص) و تمامی امامان پس از او...»

بزنطی، یار دیرین امام رضا (ع) از جوادالائمه (ع) پرسید: «مگر همه پدران شما چنین نبودند؟»

حضرت فرمودند: «چرا!»

گفت: «پس چرا پدر شما از میان همه آنان رضا نامیده شد؟»

فرمودند: «زیرا مخالفان و دشمنانش نیز به او رضایت دادند؛ همان‌گونه که دوستان و موافقانش از او راضی و خشنود بودند و به همین دلیل از بین همه پدرانم تنها او رضا نامیده شد.»

یادداشت

سیدعلی نقیب | نویسنده و منتقد

یادداشتی بر مجموعه «آنات» اثر حامد طونی

رباعی آیینه تاملات فلسفی

بدون شک رباعی یکی از شگفت و شگرف‌ترین قالب‌های شعر فارسی است. کار رباعی‌سرا به عبارتی جای دادن بحر در کوزه است که سخت و دشوار بودنش بر کسی پوشیده نیست. برخلاف برخی که رباعی را تفنن شاعر می‌پندارند و نه قالبی جدی و قابل توجه؛ در واقع رباعی آیینه تمام‌نمای آنات و تاملات فلسفی و عمیق شاعر است.

مجموعه رباعی آنات اثر حامد طونی، سند محکمی بر این مدعا و مثالی بارز از این تعریف است. در واقع اگر کسی بدون شناخت از این قالب و قبل از شنیدن این تعریف از رباعی، مجموعه آنات را ورق بزند، پس از خوانش می‌تواند این تعریف را ارائه کند. حامد طونی در این مجموعه، به خوبی و تمام و کامل مخاطب را با منظومه فکری خود همراه می‌کند و با جزئی‌نگری در تماشا و پرهیز از کلیشه و تکرار، مخاطب را آن به آن شگفت‌زده می‌کند.

از فصل اول کتاب که با آنات حامد طونی همراه می‌شویم، مسیر منظومه فکری او با طبیعت‌گرایی و نگاه وحدت وجودی به اشیا و مخلوقات آغاز می‌شود. او در یکی از رباعی‌های این فصل می‌سراید:

«گل کرده بهار غنچه‌ها غرق شهود
هر چلچله و چکاوکی گرم سرود
یکپارچه در حال نماز است وجود
گل‌ها به قیام...
ابر سرگرم سجود...»

در کنار حال و هوای مضمونی این اثر، از حیث فرم نیز شیوه نگارش پلکانی مصرع چهارم این رباعی در خدمت مضمون و تداعی‌کننده تسبیح پدیده‌های طبیعت است. شاعر در این رباعی پدیده‌ای طبیعی را در قیام و پدیده طبیعی دیگری را در سجده می‌بیند.

در فصل دوم کتاب با تنهایی و سرگردانی انسان معاصر روبه‌رو می‌شویم و به خوبی شاعر ما را در این ساحت با خود همراه می‌کند.

فصل سوم را می‌توان فصل عشق در منظومه فکری حامد طونی دانست. نگاهی عمیق و وسیع به عشق که با برخی عاشقانه‌های سخیف و ضعیف امروزی، فاصله بسیار دارد و مخاطب را شگفت‌زده می‌کند.

در فصل چهارم حامد طونی ما را با روزمرگی دنیای امروز روبه‌رو کرده و با استفاده خوب از ظرفیت رباعی مخاطب را در لحظاتی میخکوب می‌کند و به تامل فرو می‌برد.

فصل پنجم کتاب نیز ما را با تأملات آیینی شاعر همراه می‌کند. محض نمونه نگاه روشن شاعر به تعریف شهادت در این فصل از رباعی اول خود نمایی می‌کند:

«با عشق دوباره عهد بستیم ای مرگ
از دل تب ترس را گسستیم ای مرگ
هر بار به شهر ما شهیدی آمد
در مجلس ختم تو نشستیم ای مرگ»

و فصل آخر کتاب نیز فصل مرگ‌اندیشی است که همواره در دنیای رباعی جایگاه خود را داشته و دارد و حامد طونی نیز به خوبی در این فصل، ما را با نگاهش به مرگ آشنا می‌کند

همان‌طور که در ابتدای این یادداشت اشاره شد حامد طونی در این اثر، به خوبی مخاطب را با منظومه فکری خود همراه می‌کند و در یک سیر تماشایی به سرانجام می‌رساند.

همچنین از نظر فنی، پیوستگی فرم و محتوا، جزئی‌نگری در تماشاها، استفاده خوب از ظرفیت موسیقی کناری به عنوان یکی از مهم‌ترین قابلیت‌های رباعی و نیز ضربه‌های پایانی خوب و تاثیرگذار که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این قالب شعری است، مخاطب را شگفت‌زده می‌کند. به عقیده بنده مجموعه رباعی آنات، یکی از بهترین و اثرگذارترین نمونه‌های این سال‌هاست و تاثیر خوبی بر رباعی امروز ما خواهد گذاشت.

نشست

تقدیر از ننه‌عصمت

مراسم گرامیداشت مادر شهیدان فرجوانی که به ننه‌عصمت شهر اهواز مشهور است دیروز ۱۰ خرداد در کافه کراسه خیابان پورسینا برگزار شد. عصمت احمدیان مادر شهیدان ابراهیم و اسماعیل فرجوانی است که طی چهار دهه اخیر به عنوان یک بانو فعالیت‌های مختلفی در عرصه‌های اجتماعی داشته است. ننه‌عصمت از بانوان فعال در ستاد پشتیبانی دفاع مقدس اهواز بود که پس از جنگ، به‌صورت جدی وارد فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی شد. او امروز یکی از بانوان تأثیرگذار و الگو در اهواز است و همچنان در ۷۵ سالگی، علاوه بر امور خیریه، با پیگیری‌های فراوان، به دنبال کارآفرینی و ایجاد شغل برای مردم است.

کتاب «مادر ایران» به قلم نورالهدی ماه‌پری، روایتی داستانی از زندگی پرفراز و نشیب عصمت احمدیان، مادر شهیدان ابراهیم و اسماعیل فرجوانی است.

تحقیق این کتاب برعهده سیدمحمد آل‌عمران و نرگس اسکندری بوده و در ۳۲۰ صفحه از سوی انتشارات «راه‌یار» روانه بازار نشر شده است.

رویداد

برنامه «بچه‌محل قهرمانم»

برنامه «بچه‌محل قهرمانم» توسط حوزه هنری کودک و نوجوان با موضوع قیام ۱۵ خرداد در جنوب شرق استان تهران برگزار می‌شود.

این برنامه با محوریت قیام ۱۵ خرداد با معرفی اسطوره‌های معاصر شهرستان پیشوا، ورامین و قرچک روایتگر حوادث تاریخی دهه ۵۰ است که با رویکرد معرفی قهرمان‌های اقلیمی به کودکان و نوجوانان برپا می‌شود. این ویژه‌نامه بر اساس کتاب «قصه های خوب برای بچه‌های خوب» عنوان مجموعه‌ای هشت‌جلدی، اثر مهدی آذر یزدی است. این عنوان از سال گذشته و به مناسبت سالروز ادبیات کودک و نوجوان تبدیل به رویداد فرهنگی، آموزشی و مفرح با محوریت قصه شده است.

این ویژه‌برنامه با برپایی برنامه‌ای با عنوان «بچه‌محل قهرمانم» به معرفی و بازخوانی قهرمانان اقلیم که نخستین مقصد آن از ۹ تا ۱۳ خرداد ،۱۵ اجرا در محلات کم برخوردار و حاشیه‌ای با موضوع «قیام ۱۵ خرداد» میزبان کودکان و نوجوانان شهرهای جنوب شرق استان تهران (پیشوا، ورامین و قرچک) می‌شود تا با معرفی اسطوره‌های معاصر این منطقه روایتگر حوادث تاریخی دهه ۵۰ باشد.

قاب

آغاز پویش کتابخوانی «خاتون و قوماندان»

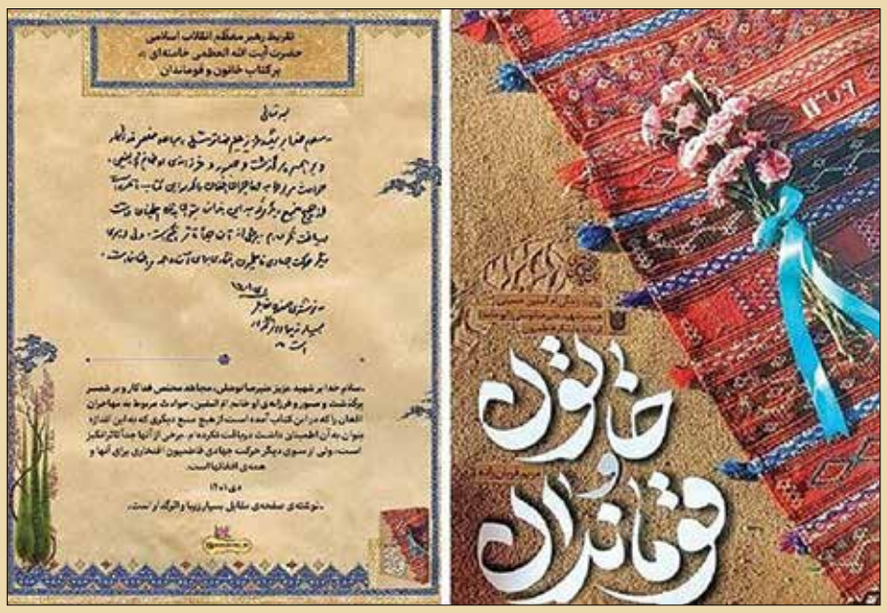

پانزدهمین دوره از پویش کتابخوانی «کتاب و زندگی» از روز گذشته ۱۰ خرداد با کتاب «خاتون و قوماندان» به جریان افتاد. خاتون و قوماندان نوشته مریم قربان‌زاده، روایت زندگی ام‌البنین حسینی، همسر شهید علیرضا توسلی (معروف به ابوحامد)، فرمانده لشکر فاطمیون است. علاقه‌مندان برای شرکت در این مسابقه کتابخوانی می‌توانند عدد ۶ را به سامانه پیامکی ۹۰۰۰۹۸۲۵ ارسال یا کتاب را از کتابفروشی‌های سراسر کشور تهیه کنند. این دوره از پویش همراه با ۵۰۰ میلیون ریال جوایز نقدی است.